



نوروز در ترکمن صحرا

عاشور قاضی، بی‌بی مریم شرعی

ترکمن‌ها قبل از فرارسیدن سال نو در روزهای پنجشنبه و جمعه برای شادی روح اموات، به همسایه‌هایشان خیرات می‌دهند و در اغلب خانه‌ها برای خوشبوکردن منزلشان عود روشن می‌کنند.

دیوار اتاق می‌آویزند، در ضمن آب‌انبار و بشکه‌ها را هم پر از آب می‌کنند.

ترکمن‌ها قبل از فرارسیدن سال نو در روزهای پنجشنبه و جمعه برای شادی روح اموات، به همسایه‌هایشان خیرات می‌دهند و در اغلب خانه‌ها برای خوشبوکردن منزلشان عود روشن می‌کنند و معتقدند که روح مردگان با دیدن فرزندان پاکیزه و همچنین معطر بودن خانه، شاد می‌شود.

چهارشنبه‌سوری

در ترکمن صحرا، چهارشنبه‌سوری جشن گرفته

پیشواز

نوروز در فرهنگ قوم ترکمن از کهن‌ترین زمان‌ها شناخته شده است.

اسفند در شمار روزهای مقدماتی است که برای سال نو تدارک دیده می‌شود. همانند خرید لباس، تهیه شیرینی و آجیل، خانه‌تکانی و شستن فرش‌ها، رنگ‌زدن خانه‌ها و مرمت خرابی‌های جزئی، درست کردن سبزه، تزیین کردن حیواناتی مثل اسب (درست کردن نم‌د رنگین، پیشانی‌بند با نقش و نگارهای بسیار زیبا برای اسبان) و آویختن زنگوله به گردن گوسفند که فرارسیدن سال نو را نوید می‌دهد، پس از تمیز کردن خانه و تعویض فرش‌های کهنه با نو، نخ سفید و سیاه را با هم می‌بافند و در میانه آن اسپند، نظر چشم، منجوق، نمک و داغدان (نوعی چوب که در نزد ترکمن‌های قدیم مورد احترام بوده است) قرار می‌دهند و به بالای درب خانه آویزان می‌کنند و به نشانه برکت چندین تنور نان پخته و یک جفت قرص نان کوچک را با نخ سفید و سیاه به

می‌شود و اول شب آتش می‌افروزند و می‌گویند:
«سنینگ قیز بیلینگ مانگا، منینگ ساریم سانگا.»
(sânyng qyzılǯng mângâ, manyng sârym
sângâ).

برگردان: سرخی تو به من، زردی من به تو.
همچنین در کپه‌های هیزم که روشن می‌کنند برای
دفع چشم‌زخم، اسپند می‌ریزند تا آنها را تا سال آینده از
چشم‌زخم مصون دارد و این آتش را روشن می‌گذارند
تا خود، خاموش شود.

در این شب (شب چهارشنبه‌سوری)، ترکمن‌ها رسم
دارند تا به نیت خیرات، بین همسایگان نان روغنی
تقسیم کنند. «قارا چهارشنبه» (qârâ) از نام‌های خاصی
است که به این شب نسبت می‌دهند و معتقدند که با
صدقه‌دادن به مساکین، بلا و سیاهی را می‌توان دفع کرد.
به همین مناسبت برای زدودن سیاهی از دوده آتش
چهارشنبه‌سوری به کاسه‌هایشان می‌زنند و می‌گویند:

«کول آشاقیندا بلا قالماز»

(kul âşâqyndâ bâlâ qâlmâz).

برگردان: زیر خاکستر بلایی نمی‌ماند.
یکی از سنت‌های قدیمی در چهارشنبه آخر سال در
بین ترکمن‌ها، تراشیدن موی سر پسرها بوده، به طوری
که مقداری از مو را در دو طرف سر، روی گوش‌ها یا
پشت سر باقی می‌گذاشتند که به آن «قولپاق» می‌گویند.
یکی دیگر از مراسم ترکمن‌ها که امروزه کم‌رنگ
شده است، به صحرارفتن خانواده‌ها در چهارشنبه‌سوری
بوده است. آنان نگرستن به آب چشمه‌ساران را به فال
نیک می‌گرفتند و به هنگام بازگشتن، تعدادی سنگریزه
تهیه کرده و هفت بار به طرفی غیر از قبله پرت

می‌کردند تا بدی‌ها دفع شود. از این رو عدد هفت در
بین ترکمن‌ها یادآور نشانه‌های مبارکی است از جمله:
هفت آسمان، هفت ستاره، هفت دریا، هفت درب و
هفت شهر. اگر یکی از اعضای خانواده قبل از تحویل
سال قصد مسافرت به شهری را داشت، قبل از غروب
آفتاب آخرین چهارشنبه سال، هفت قدم در جاده آن
شهر برمی‌داشت تا سفر خیر و بی‌خطری را پیش رو
داشته باشد.

تحویل سال

در این زمان خاص، ترکمن‌ها چراغ خانه را روشن
می‌کنند و پنجره‌ها را می‌کشایند تا از هوای تازه بهاری
لذت ببرند و برکت‌شان افزون‌تر شود. بزرگ خانواده
هم قرآن را بوسیده و تلاوت می‌کند تا سال جدید، سالی
پر بار و بابرکت باشد و در خاتمه برای اعضای خانواده
دعای خیر می‌کند.

زنان ترکمن به چشمه‌هایشان سرمه می‌کشند، آن هم
سرمه‌ای که از مکه آورده شده باشد. در این روز همه
خانواده غسل می‌کنند، لباس نو می‌پوشند و دو رکعت
نماز شکر به جا می‌آورند. ترکمن‌ها نوشیدن از آب
اولین باران نوروزی را نکو و آن را نشانه سلامت و
خوش‌یمنی می‌دانند. اگر زنی در این روز فرزند ذکور به
دنیا بیاورد، نامش را «نوروز» می‌گذارد و اگر اولاد
دختر نصیبش بشود، نام او را «تازه گل»، «گل بهار»،
«یلکی آی» و «گل جهان» خواهند گذاشت.

سرگرمی‌ها

هنوز هم کم‌وبیش بعضی از تفریحات و



نوروز گلدی بو گیجه (نوروز امشب فرا رسید)
 قیزلار آتارلار بیمه (دختران طالع‌شان را می‌آزمایند)
 کیمینگ بیجه‌سی چیقسا (طالع هرکسی در آید)
 بیریرسن «نوروز کؤجه» (نصیبش یک ... «کاسه»
 نوروزی)»

باشلاندى قیز باشلاندى (شروع شد، دخترها شروع
 شد)
 کاساً مونجوق تاشلاندى (منجوق کاسه، انداخته
 شد)

سئوز آیدجی گلیدیر (خواستگار آمده است)
 بویداشنیا بوو شلاندى (به دوستش مژده داده شد)

سرگرمی‌های گذشتگان در بین جوانان ترکمن رایج می‌باشد، مثل: اسبدوانی، کشتی‌گیری، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، مسابقهٔ خروس جنگی، شاخ‌زنی می‌ش‌ها، تاب‌بازی و منجوق‌آندی به معنای انداختن دانهٔ منجوق. در این بازی نوروزی، دختران ترکمن دور هم جمع می‌شوند و منجوق‌های خود را که با علامتی مشخص کرده‌اند، دانه در یک ظرف پر از آب می‌اندازند. دختری که ظرف را نگه داشته، آن را بالای سر دوستانش می‌برد و منجوق‌ها را با هم قاطی می‌کند و یک بند شعر می‌خواند و بعد از آن یکی از منجوق‌ها را از ظرف آب درمی‌آورد. منجوق به هر یک از دختران که تعلق داشته باشد، معنای شعر خوانده‌شده، در ارتباط با او قلمداد می‌شود.

قانيا دارلار سمنى (سمنى را مى جوشانند)
توربا دۇر قديمى تمنى (سوزن (جوال دوز) را در توبره
فرو كردم)

بيلايم آيراليق اكن (فهميدم جدایی است که)
همه دردَن يامانى (از همه دردها بدتر است)
نوروز گلدی ياز گلدی (نوروز آمد، بهار آمد)
قارغا گيتندی غاز گلدی (کلاغ رفت و غاز آمد)
جمله جهان لاله زار (تمام جهان لاله زار)
آيديم گلدی ساز گلدی (آواز آمد ساز آمد)



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی